

یک فنجان چای با «مجتبی محرمی» در حوالی ۶۰ سالگی



گفتگوی اختصاصی سردبیر اقتصاد کیش با مجتبی محرمی؛

برای این فوتبال باید گریه کرد!

اقتصاد کیش – مجتبی محرمی یکی از بهترین مدافعان ادوار فوتبال ایران و پرسپولیس است که روزگاری از او به عنوان بهترین دفاع چپ فوتبال ایران نام برده می شد. مجتبی محرمی ۹ سال پیراهن تیم محبوبش پرسپولیس را بر تن کرد و نامش برای همیشه در تاریخ این باشگاه ثبت شد. او بی اغراق یکی از فنی ترین و جنگنده ترین مدافعان تاریخ فوتبال ماست؛ او اما در کنار ویژگی های فنی، یکی از بازیکنان جنجالی دهه ۶۰ نیز بود. محرمی کلا فوتبالست متفاوتی بود. او همواره زیره ذره بین قرار داشت. محرمی گاهی کارهایی می کرد که باعث می شد همه رسانه ها روی او زوم کنند. مثلاً در دوره ای تصمیم می گیرد موهای خود را از ته بتراند.بعدها او گفت: به خاطر کل کل با آرایشگرش این کار را کرده و بایشان ده هزار تومان که آن موقع ها پول زیادی هم گرفته بود! می گوید: جایتان خالی با آن پول با رفقا رفتیم دربند آبگوشت خوردیم! اما همین اتفاق ساده آن موقع خیلی خبر ساز می شود و چیزهای زیادی مثل ی کپو سان و مکرانی به من گفتند ...

مجتبی ، با دوران فوتبالت خیلی ها را به یک دوره خاص از زندگی فرو می برد. شاید چیزی بیشتر از یک اسم برای بچه های پایین شهر که سال ها با حضورش در پرسپولیس عشق دنیا را می کردند و در میان همه نداشتها، یک دفاع چپ متعصب داشتند که تا آخرین سال های فوتبالتش، پرسپولیس را با هیچ چیزی در دنیا عوض نکرد. عشق به مجتبی محرمی، سینه به سینه از فوتبالی های دهه شصت به هفتاد و هشتاد و نود رسید. ... او می گوید:چند سال پیش بود که در حاشیه یک بازی خیره، پسر خردمالی با من عکس گرفت و از علاقه اش به من می گفت! از او پرسیدم : تو مگر فوتبال من را دیده ای؟ و جواب شنیدم: ز پدرم شنیدم. آنقدر شنیدم که اینطور دوست داشته باشم. البته آنچه باعث محبوبیت محرمی شده بود، نه تنها علاقه و تعصبش به تیم پرسپولیس بلکه نمایش های درخشانی بود که در سمت چپ خط دفاعی تیم ملی ایران با ارائه و نقش یک راست یابی استثنایی هنر نمایی می کرد. محرمی حالا در حوالی شصت سالگی، پس از حادثای که منجر به عمل جراحی او شد، دوران نقاهت را در جزیره کیش پشت سر می گذارد و البته همچنان سر حال و قیاق در جمعی صمیمی با حضور هوادارانش در هتل میراث کیش به خاطره بازی پرداخته است. گفت و گویی که با او انجام شده یادای است از گذر ایام در فوتبال ایران و تهران که خواندنش خالی از لطف نیست...

خبر بستری شدن شما در بیمارستان، اهالی فوتبال و به خصوص هواداران پرسپولیس را تکران کرده بود. در حال حاضر شرایطتان چطور است؟

خدا را شکر وضعیتم خوب است. جراحی کردم و مرخص شدم و رو به بهبودی هستم. خواستم به حمام بروم و پایم لیز خورد و به زمین افتادم. اما به لطف خدا و دوستان به خیر گذشت و حالم خوب است.

سال ها از فوتبال شما گذشته، اما همچنان می توانیم بگویم شما از محبوب ترین بازیکنان تاریخ پرسپولیس هستید. فکر می کنید دلیل این محبوبیت چیست؟

این لطف و محبت از دل هوادارانی است که من به آنها عشق می ورزم و دوستان دارم و دستشان را هم می بوسم. هواداران همیشه از من حمایت کرده اند. به نظر من مردمی بودن تنها رمز ماندگاری فوتبالیست هایی است که هنوز هم محبوب اند.

نکته جالب این است که حتی نسل جدید هم شما را دوست دارند.

درست است که نسل جدید هم لطف دارند، اما نسل جدید فقط اسم من را می شناسند. قدیمی ها بیشتر می شناسند و هر جا من را می بینند، اظهار لطف می کنند. حتی وسط اتوبان می گویند: بنیم بغل که عکس بگیریم! یا زمانی هم که در جزیره کیش سوار موتور بودم من از مورد لطف قرار می دادم و لطف دارند. من وظیفه ام را انجام داده، باید فوتبال بازی می کردم، و فوتبال را بازی کرده ام. باید به بزرگتر احترام می گذاشتم و احترام را گذاشته ام. باقی لطف مردم است.

مجتبی محرمی متولد ۲ اردیبهشت ۱۳۴۳ در منطقه استخر جنوب تهران! از یک محله ای در پایین شهر فوتبالتان را شروع کردید و تبدیل به یک ستاره در فوتبال ایران شدید.

بله متولد بهترین شهر بودم و در جنوب شهر تهران و در منطقه استخر و زمین های خاکی آنجا دوران کودکی ام را گذراندم. دوران کودکی پر تلاطمی داشتم و بیشتر با فوتبال شیشه می شکستم (خنده) سه ایچه بودیم و مصطفی برادر بزرگم که شهید انقلاب شد و من ته تغار بودم. بعدها میدیدم که خیلیها برای رشد و پیشرفت شان از فامیل شهیدان ماه میگذاشتند، در چنین شرایطی خجالت میکشیدم، از شهادت برادرم یا سابقه جبهه خودم حرف بزنم.

۱۷۸ قدم زد متوسلنی برای فوتبال است و گلهای خوبی با این قد با سر زدید؟
قد ۱۷۵ تن بلند و نه کوتاه است، بلکه گلهای زیاد و خاطره انگیزی با سر زدم و در مجموع ۴۱ گل برای پرسپولیس به ثمر رساندم. در تیم ملی هم ۱۱ گل زدم و ۷ تا را حساب می کنند (با خنده می گوید: بقیه را بازی رسمی ملی حساب نمی کنند)

فوتبال را چطور شروع کردید؟
از خیابان و کوچه و محله و با توپ پلاستیکی شروع کردم و یک روز به ما گفتند بسرو در راه آنم برای تیم جوانان تست بد. آن زمان بازیکنان بزرگی در بزرگسالان راه آن بودند و زمانی که برای تست رفتم، فقط چند دقیقه بعد آقای ابوطالب گفت برو! گفتیم دیگر خط خوردیم اما بعدا فهمیدم بازی ام را پسندیده، گفت از فردا بیا سر تمرین راه آنم بودم و بعد از آن هم به ششاین رفتم و دو دوره بازی ها بر گزار نشد و سال ۶۴ نایب قهرمان شدیم. بعد از آن به سر بازی رفتم و تیم خوبی داشتمیم. سپس به پرسپولیس رفتم که قهرمانی های زیادی را بدست آوردم. بازیکنان زیادی را مثل مرحوم مهرداد میانوند، سعید عزیزان و جمشید شاه محمدی که هم دوره ای های من بودند، همه به تیم ملی آمدند.

اگر بخواهید به یک اتفاق جنجالی در دوران فوتبالی خود اشاره کنید چه موردی را به خاطر می آورید؟
اگر بگویند که من یک بازیکن خشن بوده ام و در زمین فلاان رفتار را داشتم، اما همه این ها به خاطر تعصبم به پیراهنم بود چون دوست نداشتم بپازم و به همین دلیل قطعاً اشتباهاتی هم داشتم. برای مثال جنجال در بازی پرسپولیس و استقلال و درگیری با آقای قلعه نو، البته الان من و آقای امیر قلعه نوعی در حال حاضر ارتباط بسیار خوبی با هم داریم و حتی به من محبت داشتند و همراه با گل گهر به ترکیه هم رفتم و کنار تیمشان بودیم. همه این مسائل گذشته است. من در دوران فوتبالم دو کارت قرمز دارم؛ یکی در همان بازی دربی با امیر است و یک بازی هم با زاندارمری که سه گل زدم و دقیقه ۹۰ اخراج شدم.

شمار مجموع نتوانستید در فوتبال به پول خوبی برسید؟ اگر یک فوتبالیست

در دوران فوتبالت پول خوبی به دست نیابود، ممکن است بعد از فوتبال به مشکل بخور.
سرمایه من از این فوتبال، محبت هایی است که به من می شود از نظر مالی خدا و شکر می توانم زندگی خودم را بچرخانم و دوستانم هم کمک می کنند. دوست خوب، سرمایه زندگی است. من یک اعتقادی دارم و به مو می رسم، اما پاره نمی شوم. آن کسی که باید بدهد، بالای سر است. این به خاطر خداوند و وجود دوستان و هواداران خوب است.

جالب است چون در این شرایط ممکن است هر بازیکنی با خودش بگوید کاش یک پیشنهاد خوب را قبول می کردم و الان شرایط مالی بهتری داشتم.
حالا که من قبول نکردم، باید غصه بخورم؟ ایله؛ من می توانستم یک پیشنهاد خوب را قبول کنم و با عمیلیون، یک خانه هزار متری در اقدسیه بخرم، اما نرفتم و الان در خانه ۴۰ متری دارم زندگی می کنم؛ مگر چه ایرادی دارد؟ (با آن خنده های معروفش می گوید: خانه ما خانه ای چهل متری اما دو طبقه است یک اتاق بالا و یک اتاق پایین و همه می گویند خانه مجتبی محرمی دوبلکس است! بله دوبلکس چهل متری!)

جالب است چون در این شرایط ممکن است هر بازیکنی با خودش بگوید کاش یک پیشنهاد خوب را قبول می کردم و الان شرایط مالی بهتری داشتم.
حالا که من قبول نکردم، باید غصه بخورم؟ ایله؛ من می توانستم یک پیشنهاد خوب را قبول کنم و با عمیلیون، یک خانه هزار متری در اقدسیه بخرم، اما نرفتم و الان در خانه ۴۰ متری دارم زندگی می کنم؛ مگر چه ایرادی دارد؟ (با آن خنده های معروفش می گوید: خانه ما خانه ای چهل متری اما دو طبقه است یک اتاق بالا و یک اتاق پایین و همه می گویند خانه مجتبی محرمی دوبلکس است! بله دوبلکس چهل متری!)

که به پرسپولیس رفتم گفتم خدایا من می خواهم کنار بچعلی، مرحوم سید علی خانی، مرحوم کریم باوی، آشوری، پیوس، کرمانی، فونی زاده،

سه شنبه ۱۸ بهمن ۱۴۰۱، ۱۶ رجب ۱۴۴۴، ۷ فوریه ۲۰۲۳، شماره ۴۱۵۰، صفحه

جزیره کیش- هتل زیبای میراث- ساعت ۵ بعد از ظهر – در حالی که هنوز دوران نقاهت پس از معالجه را به طور کامل به اتمام نرسانده است و نیاز به استراحت دارد، به کمک رفقا آرام آرام پایین می آید و در لابی هتل می نشیند. حال او دیر روی کسی قرار گرفته ایم که بعنوان یکی از متعصب ترین و جنگنده ترین بازیکنان سال های نه چندان دور فوتبال ایران مشهور است. قرار ما گفتگویی است از بیان سال های خاطره انگیز فوتبال گذشته او و البته شنیدن صحبت های او در باره وضعیت امروز فوتبال این سرزمین، گرچه او خود اعتقاد دارد امروز بها به حرف های ما و دیگر فوتبالبست ها گوش نمی دهمد و فقط کاری که هوشتان بخواهند را انجام می دهند..... مجتبی محرمی بازیکن متعصب و جنگنده سالهای پیش پرسپولیس و تیم ملی ایران حالا در آستانه ۶۰ سالگی پس از پشت سر گذاشتن همه سالهای پرشور و هیجان جوانی، امروز با کوله باری از تجربه های تلخ و شیرین و خاطره انگیز، قطعاً سخنانی دارد که می تواند خواندنی باشد. او از نسلی است که با تمام وجود عشق و تعصب را در فوتبال معنی میکرد، به عنوان نماد تعصب و وفاداری به تیم محبوب خود زبازد شد و کسی بود که به معنای واقعی به هوادار و طرفدار تیمش عشق می ورزید و وفادار بود. یک حرکت او در دوران اوج فوتبالش کافی بود تا یک ورزشگاه را به وجد بیاورد و تماشاگران حاضر در ورزشگاه را سرشار از لذت فوتبال بگرداند. شاید هنر بزرگ و قابل تحسین مجتبی محرمی مهم تر از همه آواز ه و موفقیتش در فوتبال را بتوان این عنوان کرد که او از منطقه و طبقه اجتماعی از پایتخت پا به فوتبال گذاشت و خود را تا عرصه ملی رساند که دل کندن از شور و حال آن محیط و دل سپردن به ندیای توپ کار آسانی نبود! او در مس معرفت در فوتبال را در همین زمین های خاکی استخر تهران آموخته بود و تا آخر فوتبالتش به آن وفادار بود. او می گوید: در هنگام مسابقه به تنها چیزی که فکر میکردم دل هوادار و موفقیت تیمم و تلاش برای برنده شدن بود و در این باره با هیچ کس هم شوخی نداشتم! مجتبی که به دفاعی خشن و بسیار جنگنده معروف بود شاید به همین خاطر بود که در جدال یکی از دربی های تهران در پاسخ به یکی از صمیمی ترین دوستانش در تیم رقیب که خواسته بود کمی آرام تر بازی کند فقط یک چیز می گوید: میخوای نزنم، از اینور نیا! من هیچکی نمیذارم از اینجا رد بشه!

مردمی بودن یکی از نکاتی است که در این گفتگو در علت ماندگاری او در آذهان بارها و بارها تکرار می شود. بازیکن متعصب دهه ۶۰ فوتبال ایران حالا از گذر ایام و خاطرات خود باسردبیر اقتصاد کیش به گفت و گو نشسته است ...

نعم آبادی و ... بازی کنم! باورم نمی شد. دیدگاه بزرگان در بدو ورود شما به دنیای حرفه ای فوتبال چگونه بود، آیا آوازه ات را از قبل شنیده بودند:

زمانی که در نیروی زمینی بازی می کردم علی آقای پروین از مسورتمه پیاده می آمد و بازی های ما را می دید. چون نمایشگاه سورتمه نزدیک باشگاه نیروی زمینی بود ، یک روز گفتند علی آقا پیام داده که بیا و من به همراه ناصر محمد

خانی رفتم پیش علی آقا آن موقع ها قراردادها اینگونه نبود. اولین بازی ما با استقلال بود

این موضوع سال ۶۷ بود من ۲۲ ساله بودم. من از نیروی زمینی و کریم از شاهین در تیم پرسپولیس بودیم و امیر قلعه نوعی هم در استقلال بازی می کرد. در این بازی علی آقا ما را بازی نداد.

انصراری فرد مصدوم شد و کریم را به زمین فرستاد. بعد من دقیقه ۶۰ بازی در یک باران شدید وارد زمین شدم. علی آقای یهو گفت: هایفک دفاعی بازی کن و شوک و استرس زیادی به من وارد شد و البته من هم بازی کردم و خداروشکر خیلی خوب هم بازی کردم.

اگر امروز در فوتبال حضور داشتی الان در اروپا راحت بازی می کردی، نظر خودتان چیست؟

این لطف شمامست. امروز بسیاری از بازیکنان خوب لژیونر هستند، بازی از نظر ما دوست دارم که هم پستی من است و در فکرم رمز ماندگاری یک بازیکن در خدمت تیم بودن و نداشتن حرکات اضافه است. یک مربی باتجربه اگر ۵ دقیقه بازی کنی و با بپند می فهمد او بازیکن می شود یا نه! زمانی که من رفتم در تیم راه آهن بازی کنم او بطالب فقط با یک بغل پا زدن فهمید و گفت برو فردا بیا، بازیکن از همان اول معلوم است که بازیکن است! یا نیست!

او در مورد فوتبال امروز می گوید:

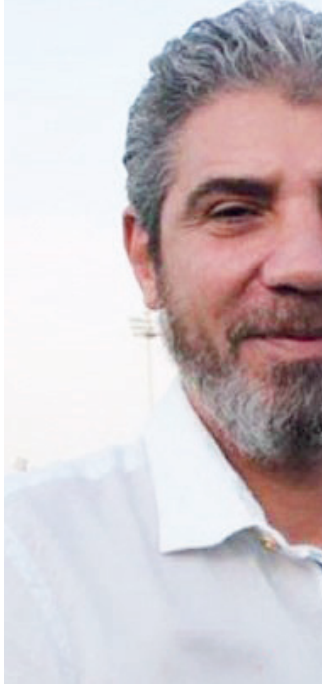
اوضاع و احوال فوتبال را دارم دید می بیند! اما فکر با این همه پورنده و ... رئیس فدراسیون می شود کی روش که ۸ سال سرمربی

باشگاهها هم سرآغ شناسایی کنیم اما باشگاهها هزینه نمی کنند! بازیکن آماده می خواهند. این کار هزینه زیادی می شود این است که تیم نتیجه نمی دهد! با این سیاست نمی شود تیم دارد کرد! برای بهتر شدن اوضاع فوتبال ایران در یک کلمه باید " زوراست" باشیم و دلال بازی و باند بازی را کنار بگذاریم. مربی تیم ها گردشی شده اند و فقط جاها عوض می شود هر چند یکی دو سال اخیر اوضاع بهتر شده. اگر بخوام در یک جمله خلاصه کنم یاد بگیرم راه چاره این است که فوتبالی ها سرکار بیایند.

مدیران امروز چیزی از فوتبال نمی دانند چون خودشان فوتبالی نیستند! اما به نظر در دوره های مختلف فدراسیون ها دوره آقای صفائی فراهانی موفق تر از باقی دوره ها عمل کرد.

از او می پرسیم فوتبال جنوب را چقدر می شناسد؟

جنوب کشور مهد فوتبال است و اکثریت بازیکنان تیم ملی جنوبی هستند همان هایی که با شسرحی و گرما و در زمین های خاکی تمرین تیم سوم شد؛ کی روش سومی هم نداشت اما ما دویساره او را به خدمت می گیریم! کی روش



و ادامه ندادید؟

بعد از دوره بازیکنی اولین دوره که کلاس D بود چون بازیکن تیم ملی بودیم، به ما گواهی

می دادند، دوره C با حضور بازیکنان زبده و پیشکسوت را گذراندم اما چون با موهای بلند جای گله از فدراسیون داردا جایگاه پیشکسوت همیشه جایگاه ویژه ای است شما بازیهای خارجی را رصد کنید جایگاه پیشکسوتان همیشه معلوم است اما اگر ما بخوایم به ورزشگاه آزادی برویم باید بلیط بخریم! باید گریه کرد به حال اوضاعی که امروز حتی بسیاری از پیشکسوتان را نمی شناسند!

طرفدار کدام تیم و باشگاه خارجی هستید؟

من بایرن مونیخ و طرفدار تیم ملی آلمان هستم. الگوی فوتبالی من هم پاتول (پل) برایتزر بود و سال ۷۴ که آلمان قهرمان شد در کوچه فوتبال بازی می کردم و آخر شب برای نگاه کردن سادی بازی به خانه رفتم و آلمان یک گل به یوگسلاوی زد و همانجا طرفدار پرو پا قرص این تیم شدم.

برای ما مجتبی محرمی برابر است با "تعصب" به او یک کلمه می گوئیم و او اولین کلمه ای که به ذهنش می رسد را برامان بازگو می کند:

علی بابا: شناسنامه فوتبال علی پروین: بزرگ فوتبال ناصر حجازی: اسطوره استقلال: قییم نمیشکی امیر قلعه نوعی: دوست باوفا ششامه A: حسین کلانی جزیره کیش: زیبا با مردمی خونگرم پرسپولیس: همهچیزه محبوب علی کریمی: جادوگر وریا غفوری: مردم دار رفیق: همه دوستان محمد مایلی کهن: بی شلیله پیله فوتبال: عشق

آقا مجتبی برای بهتر شدن آینده فوتبال ایران باید چکار کنیم؟

ما می خواهم به عنوان استعداد یاب هر هفته به استان ها برویم و استعدادها را شناسایی کنیم اما باشگاهها هزینه نمی کنند! باشگاهها هم سرآغ شناسایی و پرورش استعدادها نمی روند و "بازیکن آماده می خواهند. این کار هزینه زیادی هم نمی خواهد و با هزینه پایین می شود بچه های علاقمند از ۱۲ سالگی ساپورت کرد. باید به جوانان میدان و فرصت داد. متأسفانه خیلی ها امروز فوتبالبست نیستند، طرف پدرش پولدار است و بدون استعداد تنها به خاطر پول بازیکن می شود این است که تیم نتیجه نمی دهد! با این سیاست نمی شود تیم دارد کرد! برای بهتر شدن اوضاع فوتبال ایران در یک کلمه باید " زوراست" باشیم و دلال بازی و باند بازی را کنار بگذاریم. مربی تیم ها گردشی شده اند و فقط جاها عوض می شود هر چند یکی دو سال اخیر اوضاع بهتر شده. اگر بخوام در یک جمله خلاصه کنم یاد بگیرم راه چاره این است که فوتبالی ها سرکار بیایند.

عباس پناهی در تیم ایزد فردوسی اولین مربی ام بود. این تیم بازیکنان بزرگی به تیم ملی داد مثل مهرداد میانوند – سعید عزیزان – آقای – جمشید شاه محمدی و ... خیلی از بزرگان دیگر تیم سوم آسیا شدیم.

باید فردوسی شروع کردم بعد رفتم – شاهین – نیروی زمینی – پرسپولیس و با پرسپولیس فوتبالم را در ایران تمام کردم. البته دوره کوتاهی هم قطر بودم

در دوران سربازی در نیروی زمینی دژیان بودم، جنگ هم رفتم و با امریه ورزشی برای تیم ملی می آمدم بازی می کردم.

اولین قرارداد با پرسپولیس را در ۲۲ سالگی در حضور علی پروین سفید بستم، دوست مشترکی داشتیم که معرف من بود. اولین بازی بعد از پوستن به پرسپولیس هم خوردم به دربی با استقلال که دقیقه ۶۰ جای انصراری فرد مصدوم تعویض شدم و در پست غیر تخصصی ام و در هایفک دفاعی بازی کردم

پیشنهاد مالی
در اوج فوتبال تیم فوتبال کاشورز بهترین پیشنهاد مالی را بمن داد با شرایط عالی مالی. اما بخاطر هواداران و طرفداران پرسپولیس والینه دل خوردم رفتم و در پرسپولیس ماندم . از این موضوع پشیمان هم نیستم

اولین بازی
فردیون عسکرزاده در سال ۱۳۶۴ برای اولین بارمن را به تیم ملی دعوت کرد که بعدش رفتم خدمت سربازی

فینال باشگاههای تهران

بازی پرسپولیس – شاهین در فینال باشگاههای تهران یکی از سخت ترین بازیهای من بود . من بازیکن جوانی در شاهین بودم .

بازیکنان بزرگی مثل شاهرخ بیانی، علی پروین و ناصر محمد خانی همه ریخته بودند سمت من!!!!

بغل یا
بازیکن، بازیکن باشه یا به بغل با زدن قابل شناسایی هست

فوتبال فعلی
فوتبال فعلی ما حال و روز خوشی ندارد. چون هیچ کس در فوتبال ما جای خودش نیست. فوتبالی ها بیرون هستند و غیر فوتبالی ها، جایگاه فوتبال را در دست گرفته اند.

کی روش
کی روش تا حالا چکار کرده برای فوتبال ما فقط پولش را گرفته و رفته است. به هیچ کس هم تا حالا پاسخگو نبوده. او عاشق لژیونر ها است. اگر قرار بود در همین جام جهانی موفقیتی بدست نیآوریم تا ۶ تا انگلستان بخوریم چه ضرورتی داشت کی روش را بیاوریم! البته شاید ضرورتی که ماها ازش خبر نداریم!

تو خونه
بازیهای تیم ملی را تو خونه می بینم. راستش از هیچ کدام بازیها هم تا حالا خوشم نیومده!

دو سر طلا

سه شنبه ۱۸ بهمن ۱۴۰۱، ۱۶ رجب ۱۴۴۴، ۷ فوریه ۲۰۲۳، شماره ۴۱۵۰، صفحه

کمی خوش باششون چوپ دو سر طلا بود اگر می برد می گفتند عجب کاری کرد این رئیس فدراسیون کسی روش را آورد، باخت هم می گفتند با ۲۰ روز وقت مگه چکار میشه کرد!!

ولن
پرسپولیس و استقلال هم به تنهایی با ولز بازی می کردند می بردند، دیگه نیازی به این همه هیایو برای برد تیم ملی نبود!

خاطره سبزی پلو
شب قبل دربی شاهرخ بیانی که در استقلال بازی می کرد اصرار زیادی داشت شام در منزل میهمانش باشم. با اینکه فاصله منزل ما با آنها زیاد بود رفتم. خانش سبزی پلو با ماهی درست کرده بود. فردای مسابقه فدراسیون سمت من افتاده بود خیلی محکم بازی میکردم، گفت مجتبی آروم تر بازی کن ! گفتم : شاهرخ! نمیخای کتک بخوری ، از این سمت نیا. گفت: سبزی پلو دیشب چشمتو بگیره!

گفتم : این موقع من باهام هم بخاد بنادزه از بغلم بره میزنم!!!

استانکو
استانکو مربی خیلی خوبی بود. خیلی چیزها ازش یاد گرفتم گرچه در دوران شیطنت هایی داشتم و یک بار هم تمریناتش را تعطیل کردم!

بعد محرومیت
در بازیهای بعد محرومیت انگیزه بیشتری پیدا می کردم. باس – صنعت نفت – برق شیراز و ... و تیمم هائی بود که بلافاصله بعد از محرومیت بازی کردم و گل زدم

کفش مولر
اولین بازی ما برای تیم ملی را با کفش مولر بسازی کردم. تو نال اولین بسازی ملی ام با هنک کتک. کتشم پاره شد با نخ بستم و با آن حالت بازی کردم

دور دریاچه
دوران پرویز دهداری در تیم ملی دور دریاچه آزادی میخوابیدیم. اردوی تیم ملی شرایط امکانناش مثل دوره سربازی بود با آن تیم سوم آسیا شدیم.

حمایت نمی کنند
در نظر دارم به همراه جمعی از بازیکنان قدیمی و دوستانه ملی برای کشف استعدادها به استانهایی مختلف کشور سفر کنیم ولی حمایت نمی کنند

مربیگری فوتبال
بعد از بازی بعنوان مربی در نظر داشتم فوتبال را ادامه دهم اما معلمت موهای بلندم ایسراد گرفتند و گواهی مربیگری ندادند. در حال حاضر هم مدرک نداشته باشی نمی شود مربیگری کرد.

تیم ملی
میاندم برخی بازیکنان پول حتی به تیم ملی هم رسیده اند! این نتیجه اش وضعیت فعلی فوتبال ما می شود که در آن قرار گرفته ایم.

قرص و آمبول
فوتبال قرص و آمبول نیست که بشود با آن طرف را فوتبالی کرد. توانایی فوتبال ذاتی است باید آن را کشف شود و پرورش داد.

جام جهانی
فدراسیون ما در جام جهانی اخیر حتی یک پیشکسوت را به جام جهانی نبرد. همه میدانند در جهان به پیشکسوتان احترام میگذرانند ولی ما برای ورود به ورزشگاه آزادی باید بلیط بخریم!

گریه کرد
یک بار حسین کارزانی بازیکن تیم ملی در جام جهانی راه به ورزشگاه آزادی راه ندادند. واقعا بر این فوتبال باید گریه کرد!

آر اندیک اسکندریان
الگوی داخلی فوتبال من آندرانیک اسکندریان است که در پست من بازی می کرد.

باندبازی
در فوتسال ما اگر باند بازی نباشد و همه با هم روراست باشیم فوتبال مان پیشرفت می کند و ولی متأسفانه شرایط فعلی اینگونه نیست.

مربیان جوان
اتفاق خوبی که در فوتبال ما افتاده است آمدن مربیان جوان مثل کنورام – حسینی – مطهری هست که امیدوارم ادامه پیدا کند

پر افتخارترین مربی
امیر قلعه نوعی گرچه استقلالی است ولی واقعیت دارد باید قبول کنیم او پر افتخار ترین مربی فوتبال باشگاهی ایران است.

بهتر شدن فوتبال
برای بهتر شدن فوتبال ما باید فوتبالی ها بیان سر کار ، ازرتبین فدراسیون تا کمیته ها و سایر اجزا همه باید فوتبالی باشند تا مسائل فوتبال را با همه وجود شان بفهمند .

فامیل و رفیق بازی

متأسفانه فوتسال ما امروز شده فامیل

بازی و رفیق بازی. هر کی مسئولیتی گیرد دوست دارد فامیل و دور و بریهای خودش را بساوارد و کسی به پیشرفت فوتبال فکر نمی کند.